

مجموعه مباحث اخلاقی

عظمت عاشورا و وظایف مبغین ما

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۱۲ دی ماه ۱۳۸۶

۲۲ ذی الحجه ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين .

«اللَّهُمَّ الْهَمُّنَا طَاعَتَكَ وَجَنَّبْنَا مَعْصِيَتَكَ وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ
إِبْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ وَأَخْلِلْنَا بِحُبُوحَةِ جَنَانِكَ وَأَفْشَعْ عَن بَصَائِرِنَا سَحَابَ
الْإِنْتِيَابِ وَاکْشِفْ عَن قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمِرْيَةِ وَالْحِجَابِ»^(۱) .

بارالها! طاعت و بندگیت را بر قلب ما الهام کن و ما را از عصیان دور ساز و راه
وصول به مقام رضای خود را که آرزومند آن هستیم بر ما آسان گردان . و ما را
در میان بهشت ، منزل کرامت کن و از چشم بصیرت و دل‌های آگاه ما ابرهای
تاریک و پرده‌های ظلمانی شک و ریب را دور ساز و پرده‌های دلی و کور
دلی را از دل‌های ما بر طرف کن .

تَفَقُّهٌ دَر دین؛

در جلسه گذشته دربارهٔ اولین فراز مناجات هفتم (مناجات المطيعين
لله) مطالبی بیان نمودیم و گفتیم که امام سجّاد عليه السلام از خداوند متعال استدعای
الهام اطاعت و پرهیز از گناه می‌نمایند . به همین مناسبت اندکی در معنا و

۱- مناجات خمسة عشر، مناجات المطيعين لله .

مفهوم الهام تأمل نمودیم .

همان طور که قبلاً بیان کردیم خداوند سبحان قدرت درک و فهم زیبایی، زشتی، خوبی و بدی را به همه انسانها عطا نموده است و در قرآن مجید می فرماید :

﴿ فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴾^(۱) .

سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرد است * که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده رستگار شد .

خداوند متعال در قبال این نعمتِ بزرگی که به انسانها عنایت فرموده است از آنان خواسته که به همین اندازه اکتفا نکنند و به فهم عمیق و دقیق دین پردازند .

در قرآن مجید به این مطلب تصریح شده است ؛ آنجا که خداوند سبحان می فرماید :

﴿ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾^(۲) .

شایسته نیست مؤمنان همگی کنند ، چرا از هر گروهی از آنان ، طایفه ای کوچ نمی کند تا در دین و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود ، آنها را بیم دهند؟! شاید از مخالفت فرمان پروردگار بترسند و خود داری کنند .

۱- سوره شمس ، آیات ۹-۸ .

۲- سوره توبه ، آیه ۱۲۲ .

در این آیه واژه تفقه به معنای فهم عمیق و دقیق دین می‌باشد. تفقه از باب تفعّل است که به معنای مطاوعه (اثر پذیری) و تشبّه می‌باشد. به طور خلاصه تفقه در دین یعنی پذیرفتن و به رنگ فقه در آمدن و به همین معنا است تزهد؛ یعنی زاهد شدن و به رنگ زهد. اما این پذیرش و رنگ گرفتن از فقه، به معنای ظاهری نمی‌باشد. یک انسان فقیه واقعاً و حقیقتاً دین را فهمیده است و تمام احکام دین در اعماق وجود وی ریشه دوانده و رسوخ کرده است. چنین انسانی درون و برون ظاهر و باطنش به رنگ شریعت در خواهد آمد و در راهی که شریعت معین و مشخص نموده است قدم خواهد گذاشت و از آن منحرف نخواهد شد.

به عبارت دیگر فقیه کسی است که به تمام احکام دین آشنایی و آگاهی عمیق دارد، و این احکام در تمام وجود او رسوخ کرده است و در همه لحظات مواظب و مراقب است که از حریم شریعت تعدی ننماید.

چنین انسانی شایستگی و صلاحیت آن را دارد که به انذار مردم بپردازد و آنها را از آتش جهنّم و عقاب الهی بیم دهد و مردمان را به بهشت و فردوس برین بشارت دهد.

وظیفه مهمّ تبلیغ؛

در آستانه ماه محرّم و انجام فریضه مهمّ تبلیغ قرار گرفته‌ایم. طلاب و روحانیون عزیزی که به رنگ دین در آمده و فهم دین در اعماق وجود آنان رسوخ کرده است در این ایّام تبلیغی و سایر مناسبت‌های تبلیغی به بهانه‌های

واهی در خانه نخواهند نشست بلکه تلاش می‌کنند که به بهترین وجه به وظیفه خود عمل کنند. پر واضح است که تبلیغ و هدایت مردمان هنگامی مثمر ثمر است نتیجه مطلوب می‌دهد که نخست خود مبلغ به فهم عمیق دین دست یافته باشد و به احکام دین ملتزم و پایبند باشد. او باید به گونه‌ای رفتار کند که افعالش تأثیر گذارتر از سخنانش باشد.

البته به این مطلب هم باید توجه داشت که منظور از فقاہت در دین تنها فهم فروع دین نمی‌باشد؛ تفقه در دین، فهم همه معارف دینی را در بر می‌گیرد. یک مبلغ باید در مورد فروع و اصول دین، اخلاق و اعتقادات و همه معارفی که با دین مرتبط است اطلاعات کافی داشته باشد تا بتوان مدعی شد که صلاحیت تبلیغ و ارشاد مردم را دارد.

هنگامی می‌توان ادعا کرد که یک مبلغ به فهم عمیق دین دست یافته و به عبارت دیگر فقیه شده است که ابتدا خودش به آن چه که می‌گوید اعتقاد کامل داشته باشد. فقط در این صورت می‌توان دارای کلامی نافذ و تأثیر گذار بود.

کسی که می‌گوید دروغ حرام است و خود نیز آن را باور داشته باشد و حتی به شوخی هم دروغ نگوید، مخاطبان نیز سخن وی را می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند.

اگر مبلغی بگوید غیبت نکنید و باور داشته باشد که تجسم این عمل همانند خوردن گوشت مردار انسان است و همیشه این کلام خداوند را مد نظر داشته باشد که:

﴿ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا
فَكَرِهْتُمُوهُ ﴾ (۱).

و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از این امر کراهت دارید. اگر مبلغ این آیه را با همه وجود دریافت کرده باشد، آنگاه در مستمعان نیز اثر می‌گذارد و آنها را از غیبت باز می‌دارد.

طلبه محترمی که برای ارشاد و انذار مردم سختی سفر و غربت را تحمل می‌کند، باید قیامت را باور داشته باشد و صحنه‌های هولناک و وحشتناک قیامت، و آن روزی که به تعبیر قرآن مجید همانند زلزله‌ای بزرگ است. همیشه در برابر دیدگانش مجسم باشد.

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ
مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ
بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴾ (۲).

ای مردم از عذاب پروردگارتان بترسید که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! * روزی که آن را می‌بینید، آن چنان وحشت سراپای همه را فرا می‌گیرد که هر مادر شیر دهی، کودک شیر خوارش را فراموش می‌کند و هر بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد و مردم را مست می‌بینی در حالی که مست نیستند ولی عذاب خدا شدید است.

۱- سوره حجرات، آیه ۱۲.

۲- سوره حج، آیات ۲-۱.

در این صورت قطعاً شنوندگان نیز از سخنان وی متأثر می‌شوند و اعمال و افعالشان را به گونه‌ای انجام می‌دهند که آن روز در امان باشند و شرمگین و خجل نگردند.

آری، نیاز مبرم جامعه کنونی ما به چنین مبلغان فقیهی می‌باشد که در درجه نخست عالمان عامل باشند، دین را فهمیده باشند و به آن عمل کنند و سپس به انذار و ارشاد مردم پردازند.

شرایط و وظایف مبلغان؛

در منابع و کتب روایی، روایات فراوانی در رابطه با اهمیت تفقه در دین و هدایت و ارشاد مردم وجود دارد. امام حسن عسکری علیه السلام روایتی را از جد بزرگوارشان امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده‌اند که نکات دقیقی در مورد شرایط و وظایف یک عالم مبلغ دربر دارد.

«من كان من شيعتنا عالماً بشريعتنا فأخرج ضعفاء شيعتنا من ظلمة جهلهم إلى نور العلم الذي حبونا به جاء يوم القيامة وعلى رأسه تاج من نور يضييء لأهل جميع العرصات، وعليه حلة لا يقوم لأقل سلك منها الدنيا بحذافيرها، ثم ينادي مناد يا عباد الله! هذا عالم من تلامذة بعض علماء آل محمد عليه السلام [ألا فمن أخرجته في الدنيا من حيرة جهله فليتشبث بنوره ليخرجه من حيرة ظلمة هذه العرصات إلى نزه الجنان فيخرج كل من كان علمه في الدنيا خيراً أو فتح عن قلبه من الجهل قفلاً، أو أوضح له عن شبهة»^(۱).

۱- بحار الانوار، جلد ۲ صفحه ۲.

هر کس از شیعیان ما که عالم به شریعت ما باشد و شیعیان مستضعف و ضعیف [از نظر فکری و اعتقادی] را از تاریکی جهل خارج کند و به نور علمی که ما به او هدیه داده‌ایم، هدایت کند، در روز قیامت تاجی از نور بر سر خواهد داشت که همه صحرای قیامت را روشن می‌کند، و لباسی بر تن که ارزش تمام دنیا برابر و معادل کوچکترین جزء آن نیست. سپس منادی ندا می‌دهد: ای بندگان خدا!! این شخص، عالمی است که شاگرد بعضی از علمای آل محمد [ﷺ] بود، هر کس که به وسیله او در دنیا از حیرت جهل بیرون آمده، بیاید و به نور او خود را در آویزد تا او را از تاریکی و حیرت صحرای محشر بیرون آورد و به تفرّجگاه و نزهتگاه بهشت وارد کند. در آن هنگام هر کس که از آن عالم در دنیا خیر و نیکی آموخته و یا قفلی از جهل از قلب او گشوده شده و یا شبهه‌ای از او بر طرف شده است به سوی آن عالم حرکت می‌کنند.

توضیح نکاتی از روایت

الف - آشنایی با شریعت؛

معنای شریعت دقیق‌تر از واژهٔ دین می‌باشد. شاید به همین دلیل امیرالمؤمنین علیه السلام از واژهٔ عالم به دین استفاده نکردند. زیرا عالم به شریعت به این معنا است که شخص عالم، دین و تمام معارف دینی را از سر چشمهٔ آن دریافت کند و بنوشد. کسی می‌تواند شیعیان را از تاریکی جهل برهاند و به روشنایی دانش و معرفت هدایت نماید که نخست به سر چشمهٔ معارف الهی

دست یافته و سیراب شده باشد. البته دسترسی به این سرچشمه گوارا از الطاف و عنایات ائمه اطهار علیهم السلام می باشد. با خواندن چند کتاب و چند صباحی مطالعه و تلاش بدون توفیق الهی و عنایات اهل بیت علیهم السلام، دسترسی به آن سر چشمه میسر نخواهد شد.

از طرف دیگر، اگر کسی عالم به شریعت باشد اما در خانه بنشیند و برای هدایت شیعیان تلاشی ننماید، به پاداشی که امیرالمؤمنین علیه السلام وعده داده اند نخواهد رسید.

دو شرط اساسی برای دست یافتن به آن مقام والا و بالا این است که نخست عالم به شریعت باشیم و معارف آسمانی اسلام را از سر چشمه دریافت کنیم و دوم اینکه با این سرمایه گرانبها شیعیان را از ظلمت جهالت برهانیم و به معرفت، هدایت کنیم.

ب - هدایت از تاریکی به روشنایی؛

مطلب مهم دیگری که این روایت نورانی به آن اشاره می کند این است که سخنان و معارفی را باید به شیعیان آموخت که آنان را از تاریکی جهل نجات دهد. بدون تردید تنها معارفی که در حوزه علمیّه آموخته ایم و از سرچشمه دریافت کرده ایم و در آنها فقیه شده ایم، می تواند بار این مسؤولیت خطیر را بر دوش کشد. به عبارت دیگر تفقه در معارف اهل بیت علیهم السلام و بیان آنها به شیعیان، نجات دهنده و خارج کننده آنان از تاریکی های جهالت و نادانی سوی آفتاب حقیقت و معرفت است.

داستان سرایی، قصه گویی و بیان کرامات ساختگی از افرادی که هیچ

ربطی به دین و شریعت ندارند نه تنها مردم را از جهالت نمی‌رهاند بلکه آنان را در جهالت و تاریکی شدیدتر و سخت‌تری گرفتار می‌نماید. اگر در این ایام و روزها که مختص به سید الشهداء علیهم‌السلام است وقت مردم را به سخنان بی‌ارزش و بی‌اساس صرف کنیم غیر از خودمان، به مردم و سید الشهداء علیهم‌السلام نیز جفا و ستم کرده‌ایم، آن هم ظلمی نابخشودنی. این سخنان بی‌ارزش برای ما و مردم هیچ بهره و ثمری در پی نخواهد داشت.

باید از ایام محرم و مجالس آن کمال استفاده را بکنیم و معارفی را که از سر چشمه شریعت آموخته‌ایم و در اعماق جانمان رسوخ کرده است برای مردم بازگو کنیم تا آنان را از نادانی‌ها و غفلت‌ها خارج نماییم.

اگر دین و احکام شریعت در جان و دل ما رسوخ کرده باشد، به هیچ وجه از حدود الهی تعدی نمی‌کنیم؛ پرده آبروی هیچ کس را - حتی اگر دشمن ما باشد - نمی‌دریم؛ حرمت مال دیگران را - حتی اگر بتوانیم به راحتی در ثروت آنها تصرف کنیم - نگه می‌داریم. یک انسان متشرع و فقیه به بهانه این که فقیر است در امانت خیانت نمی‌کند و برای دست‌یابی به رفاه مادی هیچ‌گاه دست به مال حرام دراز نمی‌کند و لقمه شبهه ناک نمی‌خورد.

اگر هدف آن است که در زمره فقها قرار بگیریم باید به این نکته توجه داشته باشیم که محرمات الهی همه در یک رتبه قرار دارند؛ همان‌گونه که از شرب خمر ابا داریم و اگر کسی، حتی به شوخی به ما بگوید جرعه‌ای بنوش، لرزه بر انداممان می‌افتد و ناراحت می‌شویم و تصوّر این که روزی لب به شراب بزنیم برای ما سخت و گران است، باید از دروغ، غیبت و تمام

محرّمات هراس و به آنها نزدیک نشویم. تمام گناهان نزد خداوند متعال بزرگ است و هیچ تفاوتی بین آنها وجود ندارد. باید مراقب باشیم که شیطان از راه تفاوت گذاشتن بین گناهان بر ما تسلّط پیدا نکند.

اگر آن معارفی را که از سر چشمه فیض الهی گرفته‌ایم و در آن تفقه پیدا کرده‌ایم به مردم بگوییم قطعاً آنان نیز از ما خواهند پذیرفت و به آن عمل خواهند کرد.

در یک کلام، بازگو کردن معارف الهی یعنی بیان آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم‌السلام. این کار است که دل‌های مردم را زنده می‌کند و آنان را از جهالت می‌رهاند و به صراط مستقیم هدایت می‌کند.

ج - پاداش مبلّغان؛

براساس روایت امام عسکری علیه‌السلام انسانی که به شریعت عالم باشد و شیعیان را از ظلمت جهل برهاند، سه پاداش بزرگ نزد خداوند متّان خواهد داشت؛

۱ - تاجی از نور بر سر او می‌نهند که تمام صحرای قیامت با آن منور و روشن می‌گردد؛

۲ - لباسی گرانبها به او می‌دهند که کوچکترین جزء آن به مراتب با ارزش‌تر از تمام ثروت‌های دنیا می‌باشد.

۳ - به او مقام شفاعت می‌دهند؛ یعنی تمام کسانی که در دنیا به نحوی از او استفاده کرده‌اند در آخرت نیز از وجود او بهره‌مند می‌شوند. او همه آنان را از تاریکی و وحشت قیامت می‌رهاند و به فردوس برین راهنمایی می‌کند.

د - روشهای هدایت؛

مطلب دیگری که در این روایت به آن اشاره شده این است که با چه روشهایی می‌توان مردم را از تاریکی جهالت و غفلت نجات داد؛ به عبارت دیگر انسانهایی که در غل و زنجیر جهالت اسیر شده‌اند را چگونه باید نجات داد و آن غل و زنجیر را چگونه باید گشود؟

اولین روش؛ آموزش و تعلیم خیر و نیکی به آنان است. باید به مردم فضایل، کمالات و حسنات اخلاقی را آموزش دهیم و صفات نیک و پسندیدهٔ انسانی را به آنان بیاموزیم، البته با رعایت همان شرایطی که بیان نمودیم؛ یعنی نخست خودمان به آن فضایل تفقه داشته باشیم و آنها را از سر چشمهٔ شریعت بر گرفته باشیم و عامل به آنها باشیم.

روش دوم؛ از دل‌های مردم قفل‌های جهالت و نادانی را باز کنیم و دل‌های آنان را آماده و مستعد شنیدن معارف و حیانی نماییم.

واقعیت تلخی که وجود دارد و با کمال تأسف باید آن را بپذیریم این است که بسیاری از مردم به اصول اعتقادی آشنا نیستند. علی‌رغم این که ما در یک مملکت اسلامی و شیعی با حکومتی دینی زندگی می‌کنیم اما بسیاری هستند که به اصول و فروع دین هیچ‌آشنایی ندارند و یا اطلاع اندکی دارند. که این وظیفهٔ ما را سنگین‌تر می‌نماید. مشکلات و ابتلاءات اجتماعی و روزمرهٔ جامعه ما، مردم را از دسترسی به حقایق و معارف الهی دور نگه داشته است. باید از فرصتها و ایام تبلیغی نهایت استفاده را ببریم و از برکت خون سید الشهدا علیه السلام برای گشودن قفل‌های جهالت از قلب‌های انسانها کمال

بهره‌برداری را بکنیم.

روش سوم؛ اشکالات و شبهاتی را که شبهه افکنان و خناسان به مردم القاء می‌کنند برطرف کنیم. امروزه از هر گوشه و کناری شبهه‌ای علیه شیعه به گوش می‌رسد. لذا باید با حوصله و دقت مردم را با حلّ شبهات و پاسخ به آنها مصون کنیم.

به طور خلاصه یک مبلغ سه وظیفه مهم بر دوش دارد؛

۱ - آموزش و تعلیم خوبی‌ها به مردم؛

۲ - گشودن قفل‌های جهالت از قلوب انسانها؛

۳ - پاسخ به شبهات شبهه افکنان و شیطان صفتان.

عاشورا فراتر از فهم ما؛

ایّامی که در پیش رو داریم، ایّام محرم و عاشورای حسینی ع است. پرسش این است که آیا می‌توان این ایّام را درک نموده و به آن تفقّه پیدا کرد؟

در پاسخ باید بگوییم عاشورا و صاحب اصلی آن فوق درک و فهم ما می‌باشد. بعید است که ما بتوانیم عمق این واقعه جانسوز را درک نماییم. ما به هیچ وجه قصد غلوّ و گزافه‌گویی نداریم. سخن از صاحب اصلی عاشورا و سید الشهداء ع که خزانه دار علم بی پایان الهی بودند نیست، سخن از فرزندان و خردسالانی است که در کربلا حضور داشتند و برخی به شهادت رسیدند و برخی اسیر شدند. ما حتی آنها را هم نمی‌توانیم درک کنیم. آیا آن غلام

سیاهی که در رکاب سید الشهدا علیه السلام جانفشانی نمود را می توان درک کرد ؟

ابن عباس در رابطه با آن روز می گوید :

«فلما كانت الليلة القابلة رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في منامي أغبر وأشعث، فذكرت له ذلك وسألته عن شأنه، فقال لي ألم تعلم إنني فرغت من دفن الحسين عليه السلام وأصحابه»^(۱).

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم را در شب [پس از عاشورا] در خواب دیدم که بسیار ناراحت و اندوهگین بودند، وقایع عاشورا را به ایشان عرض کردم و حال ایشان را جویا شدم. رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: آیا نمی دانی که من از خاک سپاری حسین عليه السلام و اصحابش فارغ شدم ؟

این روایت نشان دهنده عظمت سید الشهدا علیه السلام و اصحاب ایشان است. عظمتی که فراتر از درک ماست و گواه بر این مدعا آن است که اتم الأنبياء صلى الله عليه وآله وسلم شخصاً خاکسپاری آنان را بر عهده گرفتند و این کار را انجام دادند.

در رابطه با سید الشهدا علیه السلام و وقایع عاشورا در کتب اهل سنت نیز روایات فراوانی وجود دارد. به عنوان نمونه به یک روایت اشاره می نمایم :

ابن عباس می گوید :

«رأيت النبي صلى الله عليه وآله وسلم فيما يرى النائم بنصف النهار وهو قائم أشعث وأغبر بيده قارورة فيها دم فقلت بأبي أنت وأمي يا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما

۱- امالی شیخ طوسی رحمته الله، صفحه ۳۱۵، بحار الانوار، جلد ۴۵ صفحه ۲۳۱.

هذا؟ قال: هذا دم الحسين وأصحابه»^(۱).

در وسط روز پیامبر ﷺ را در خواب دیدم، ایشان ایستاده و بسیار ناراحت و غبار آلود بودند، و در دست ایشان شیشه‌ای از خون بود عرض کردم: پدر و مادرم به فدای شما، این چیست که در دست دارید؟ پیامبر ﷺ فرمودند در این جام خون حسین [علیه السلام] و اصحاب وی وجود دارد.

روایت دیگری در منابع اهل سنت آمده است که ابن عباس از خواب برخاست و گفت: «إنا لله وإنا إليه راجعون» وی در پاسخ کسانی که از علت استرجاع پرسیدند گفت:

«رأيت رسول الله ﷺ ومعه زجاجة من دم فقال: ألا تعلم ما صنعت أمتي من بعدى؟ قتلوا إبني الحسين [عليه السلام] وهذا دمه ودم أصحابه أرفعها إلى الله عز وجل»^(۲).

پیامبر ﷺ را در خواب دیدم و در دستانش شیشه‌ای از خون بود، سپس فرمودند: آیا نمی‌دانی ائمت پس از من چه کردند؟ [و خود در پاسخ این سؤال فرمودند: [فرزندم حسین [علیه السلام] را به شهادت رساندند و این خون او و یارانش است که آن را نزد خدا می‌برم.

پیامبر ﷺ خون سید الشهداء [علیه السلام] را به بهشت، کرسی، عرش و لوح نمی‌برد؛ زیرا خون سید الشهداء [علیه السلام] ارزشی بسیار بالاتر از این دارد بلکه رسول

۱- مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۲۸۳، المعجم الكبير، جلد ۳ صفحه ۱۱۰، نظم در السمطين صفحه ۲۱۸، تاریخ بغداد، جلد ۱ صفحه ۱۵۲، اسد الغابة، جلد ۲ صفحه ۲۲.
۲- تاریخ مدینه دمشق، جلد ۱۴ صفحه ۲۳۷.

مکرم اسلام ﷺ خون مطهر سید الشهداء (علیه السلام) و اصحاب ایشان را نزد خداوند می برد .

اهمیت سید الشهداء (علیه السلام) و اصحاب ایشان تا بدان جا است که به وسیله رسول الله ﷺ به خاک سپرده شدند ، و رسول الله ﷺ حامل خون ایشان تا بارگاه قدسی حضرت حق سبحانه و تعالی است . حتی می توان طبق آنچه که از روایات استظهار می شود به این نتیجه رسید که :

«إِنَّ اللَّهَ بِنَفْسِهِ يَقْبِضُ أَرْوَاحَهُمْ»^(۱) .

خداوند بدون واسطه شهدای کربلا را قبض روح کرد .

فرشتگان ، شهدای کربلا را قبض روح نکردند بلکه خود خداوند متعال قبض روح آنان را به عهده گرفت . با این روایات به خوبی روشن می شود که حتی مقام و جایگاه شهدای خردسال کربلا نیز از فهم و درک ما خارج است . در روایتی سید الشهداء (علیه السلام) می فرمایند : روزی خدمت رسول الله رسیدم و ابی ابن کعب را هم آنجا دیدم .

«فقال لي رسول الله ﷺ: مرحبا بك يا أبا عبدالله! يا زين السماوات والأرضين. قال له أبى: وكيف يكون يا رسول الله ﷺ زين السماوات والأرضين أحد غيرك؟ قال: يا أبى، والذي بعثني بالحق نبيا، إن الحسين بن علي [عليه السلام] في السماء أكبر منه في الأرض وإنه لمكتوب عن يمين عرش الله عز وجل مصباح هدى وسفينة نجاه»^(۲) .

۱- الحق المبين ، في معرفة المعصومين (عليه السلام) ، صفحة ۲۲۱ .

۲- عيون اخبار الرضا (عليه السلام) ، جلد ۲ صفحه ۶۲ .

رسول الله ﷺ فرمودند خوش آمدی یا اباعبدالله! ای زینت آسمانها و زمینها. ابی ابن کعب عرض کرد: چگونه کسی غیر از شما زینت آسمانها و زمینها می‌گردد؟ رسول الله ﷺ در پاسخ فرمودند: قسم به آن کسی که مرا به حقیقت به پیامبری مبعوث کرد حسین [علیه السلام] در آسمان بزرگتر از زمین می‌باشد و در سمت راست عرش الهی نوشته شده است که حسین [علیه السلام] چراغ هدایت و کشتی نجات می‌باشد.

در زمانهای گذشته فهم این نکته که سید الشهداء [علیه السلام] دارای مقامی بالاتر از درک ما می‌باشد بسیار سنگین بود، اما امروزه همه به این مطلب اذعان دارند و حتی بسیاری از اهل سنت در رابطه با اهمیت وقایع عاشورا نکات مهمی بیان نموده‌اند.

به عنوان نمونه محمد عبده می‌گوید: «تحقیق عمیق و دقیق در تاریخ نشان می‌دهد که بنی امیه قصد نابودی و از بین بردن اسلام را داشتند و اگر واقعه عاشورا و شهادت سید الشهداء [علیه السلام] و اصحابش نبود، بنی امیه به راحتی اساس اسلام و دیانت را از بین می‌بردند.»

آنان در زمان رسول الله ﷺ نیز قصد داشتند زودتر به مقاصد شومشان برسند؛ به همین دلیل نیز در واقعه عقبه تبوک قصد ترور رسول الله ﷺ را داشتند که موفق نشدند و حذیفه بن یمان آنها را دید و شناخت (۱).

۱- بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۲۴۷، از منابع اهل سنت بنگرید به البدایة والنهایة، جلد ۵ صفحه ۲۴.

و چه زیبا محقق اصفهانی رحمته واقعه عاشورا را ریشه یابی کرده و گفته است .

سهم أتى من جانب السقيفة وقوسه على يد الخليفة^(۱)

تیری از طرف سقیفه به سمت سید الشهداء علیه السلام پرتاب شد در حالی که کمان آن در دست خلیفه بود

آری! سید الشهداء علیه السلام مقامی بس والا و بالا دارند. ایشان در آن لحظات سخت فقط رضای پروردگار را مدّ نظر داشتند، هنگامی که در گودال قتلگاه بودند و حضرت زینب علیها السلام بر بالین برادر حاضر شدند و ایشان را به نام مادرشان حضرت فاطمه علیها السلام سوگند می دادند، سید الشهداء علیه السلام چشمانشان را باز کردند، و به خواهر امر فرمودند که به خیمه ها باز گردد، حضرت زینب علیها السلام می فرمایند: گودال قتلگاه را ترک کردم و به سمت خیمه ها حرکت کردم در همین حال صدای خنده سید الشهداء علیه السلام را می شنیدم^(۲).

چه کس جز وجود مقدّس سید الشهداء علیه السلام در آن لحظات و با آن همه مصائب ندای حق را لَبّیک می گوید و به رضای او خشنود است.

انشاء الله خداوند متعال شناخت و معرفت سید الشهداء علیه السلام و حرکت در مسیر آنان را به همه ما عنایت بفرماید.

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

۱- الانوار القدسیة، صفحه ۱۵۱، بیت ۱۶۹۷.

۲- الحق المبین فی معرفة المعصومین علیهم السلام، صفحه ۳۳۶.

داستان سرایی ، قصه گویی و بیان کرامات ساختگی از افرادی که هیچ ربطی به دین و شریعت ندارند نه تنها مردم را از جهالت نمی رهند بلکه آنان را در جهالت و تاریکی شدیدتر و سخت تری گرفتار می نماید . اگر در این ایام و روزها که مختص به سید الشهداء علیه السلام است وقت مردم را به سخنان بی ارزش و بی اساس صرف کنیم غیر از خودمان ، به مردم و سید الشهداء علیه السلام نیز جفا و ستم کرده ایم ، آن هم ظلمی نابخشودنی . این سخنان بی ارزش برای ما و مردم هیچ بهره و ثمری در پی نخواهد داشت .

(صفحه ۱۰ از همین جزوه)

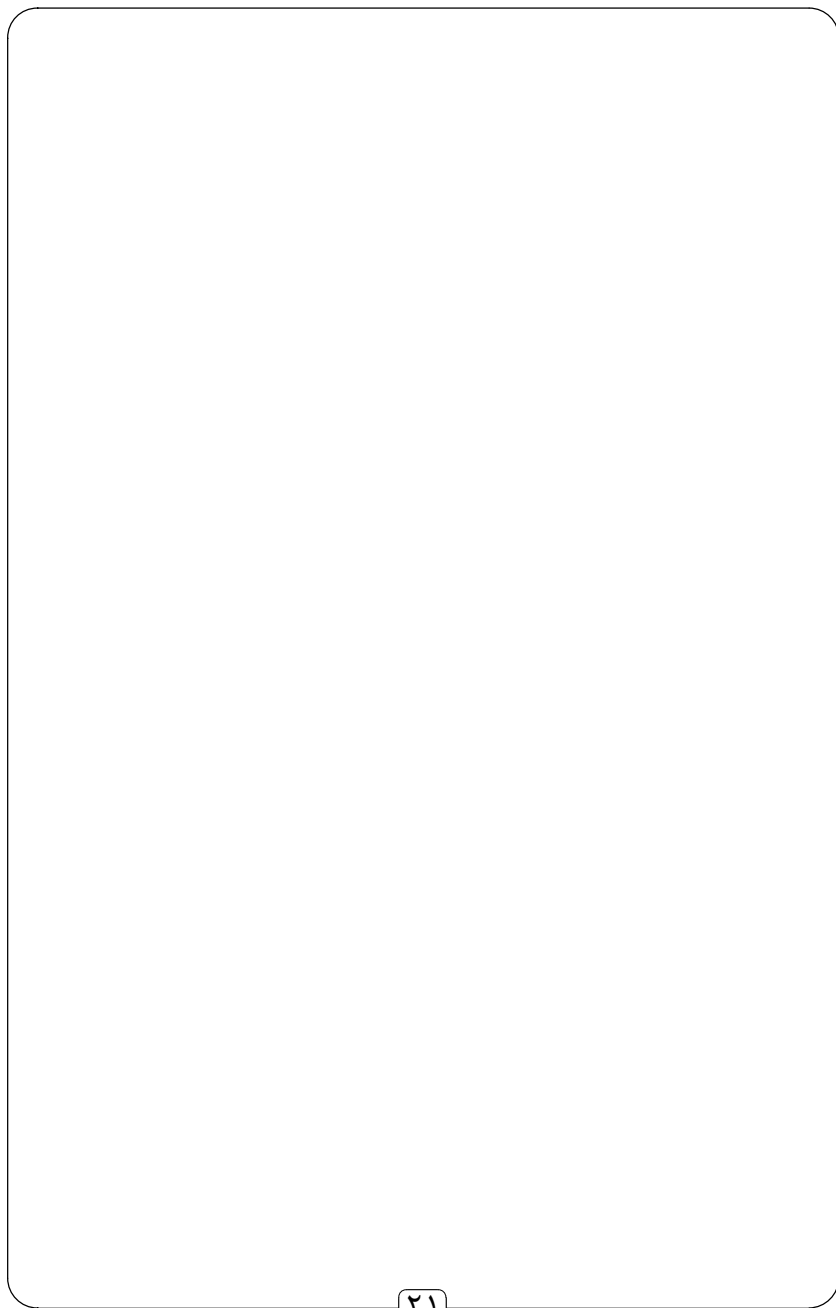
www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۲۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶ - شماره ۷۷۴۳۹۱۹



اخلاق: ۶۳